فهرست :

بهاء معادل ۱۵ فرانک فرانسه

	صفحه
۱۸ سئوال و ۱۷ جواب !	۲
گذشته و حال : نهضت آزادی ـ الف . ر.	۶
روحانیت شیعه در ایران ـ صادق .	۲۰
سعید سلطانپور در جنبش دانشجویی ـ هما ناطق .	۲۸
نقدی از راه فدایی ـ ر. حمداد.	۳۷

آدرس ما :

برای مکاتبه ، برای کمک مالی

OLIVIER LE COUR
44, RUE DE PATAY
75013 PARIS FRANCE

سوسیالیزم و انقلاب که انتشار یافت ، با خود مسائل جدیدی مطرح کرد. این بار، ما به جای یادداشت هیات تحریریه **گفتگوئی** را برگزیده‌ایم که برخی از این مسائل را روشن می‌کند.

۱۸ سؤال ۱۷ جواب !

گفتگوی یک شکاک با یک هوادار سوسیالیزم و انقلاب

ش ـ من نمی‌توانم موضع مشخصی درباره‌ی نشریه‌ی **سوسیالیزم و انقلاب** اتخاذ کنم. شما اول بگوئید این نشریه را چه کسانی منتشر می‌کنند؟ چرا خودشان نگفته‌اند که کیستند تا ما تکلیف خود را بدانیم ؟

ه ـ گفته‌اند : سوسیالیست‌های انقلابی .

ش ـ اما این سوسیالیست‌های انقلابی که‌ها هستند؟

ه ـ گفته‌اند : آنان که در برابر ایدئولوژی های بورژوائی و خرده‌بورژوائی ، بیانگر سوسیالیزم‌اند ، و در برابر رفرمیزم و سنتریزم ، انقلابی . آنان که وظیفه‌ی مرکزی این دوره را مبارزه در راه ایجاد گروه‌بندی طراز جدید (اتحادیه‌ای از سوسیالیست‌های انقلابی) تلقی می‌کنند . آنان که حاضرند ، و توانائی آن را نیز در خود می‌بینند که ، برای مبارزه‌ی جدی در راه تسخیر قدرت توسط طبقه‌ی کارگر و در راه بنیاد سوسیالیزم ، تشکیلات ، محافل ، اخلاقیات و پیش داوری‌های خرده‌بورژوائی را رها کنند و وظایف کنونی را واقعا انجام دهند . آنان که تنها استراتژی انقلابی در ایران را انقلاب پرولتری (در شکل و در مضمون) و استقرار جمهوری شورائی می‌دانند ، از مبارزه‌ی پیگیر بر علیه هرگونه نفوذ اپورتونیزم خرده‌بورژوائی در جنبش کارگری طفره نمی‌روند و این مبارزه را هرگز به آینده‌ای نامعلوم موکول نمی‌کنند . آنان که بنیاد فعالیت خود را قطعیت انقلاب اجتماعی قرار می‌دهند و خستگی ، شکست و واخوردگی روشنفکران را به حساب توده‌ها واریز نمی‌کنند . آنان که به جای "بازی در بساط دیگران" ، جدائی قطعی تئوریک ، عملی و تشکیلاتی از واقعیت وارونه را در برابر خود قرار می‌دهند و با چرخش قطعی به سمت پرولتاریا ، سازماندهی پیشگام کارگری مستقل از روشنفکران خرده‌بورژوا و درگیری عملی در جنبش کارگری تحت برنامه‌ی عمل انقلابی و نه برنامه‌های حداقل رفرمیستی را به طور جدی آغاز می‌کنند . آنان که به جای خودفریبی های وحدان های بی‌تفاوت ، مسیر آمادگی حقیقی را پیش می‌گشند و به جای ایجاد جبهه‌های دروغین متکی بر "توافق "های گروه های روشنفکری ، اتحاد حقیقی مبارزان کارگری و به جای جبهه‌های ائتلافی سازش طبقاتی ، وحدت جبهه‌ی کارگری را عملی می‌کنند . آنان که تنها راه جلب متفقین پرولتاریا به انقلاب را نه در تعدیل مبارزه‌ی طبقاتی که در سرسختانه ترین مبارزه علیه بورژوازی تشخیص می‌دهند . ...

آیا این همه مشخص کننده‌ی سوسیالیزم انقلابی نیست ؟

ش ـ اما ، این ها جواب سئوال من نیست ! (این ها را "کلی بافی" می‌داند .) این سوسیالیست‌های انقلابی که حامل این عقایدند ، چه کسانی هستند ؟ چرا نشریه به طور دقیق در این باره نگفته است ؟

ه ـ منظورتان نام و نشان شان است ؟

ش ـ نه ! منظور من این است که از چه گروه‌هائی آمده‌اند ؟

ه ـ از محافل ، گروه‌ها و گرایش‌های سوسیالیستی در سازمان های مختلف . همچنین افرادی که در هیچ یک از گروه‌بندی های سنتی فعالیت نمی‌کردند . آنان را ، حال ، عقاید و اصول و روش کار سوسیالیستی مشخص می‌کند . آنان ، بدین خاطر از گروه‌بندی های سنتی بریده‌اند که ابزار انقلاب پرولتاریائی نبودند و بدین خاطر خود را تحت نشریه سازمان می‌دهند که گروه‌بندی انقلابی سوسیالیست را بنیاد کنند . آنان ، **می‌باید** خود را از بند علائق فرقه‌ئی رها کنند . حتی کسانی در این راه قدم می‌نهند که هنوز تخته‌بند این علائق اند . کار جدی و روشنگری ، یا ، بر این تمایلات فائق می‌آید ، یا وقتی درمی‌یابند که در این راه ، امتیاز و حق ویژه‌ئی نخواهند داشت ، و میدانی برای تنگ نظری و زدوبند نخواهد بود ، کنار می‌روند و البته می‌باید کنار زده شوند . آیا شما نام و نشان

www.hks-iran.com

اینان راهم می‌خواهید؟ مهم این است که سوسیالیسم- انقلابی بیان تمایلات وکوشش‌های پرولتاریای انقلابی است؛ ودراین راه، امتیازی ویژه ازآن فردیاگروهی نخواهدبود. تنها سرسختی درکار واقعی وجدی آنان رامحک می‌زند.

آیا شما می‌گوئید، درهرشماره بایدنام آخرین گروه یا فردجدیدی راکه به نشریه پیوسته است، اعلام کرد؟ به عقیده‌ی ما بهتر است این روش رابه جبهه‌های دروغین واگذار کنیم. نیروهائی که هدف راآمادگی حقیقی برای انقلاب قرار داده‌اند، به دنبال این چنین سرافرازی های کاذب نخواهندرفت. این گونه "سرافرازی ها" با اهداف سوسیالیسم و انقلاب درتضادند. اول آن که، هرگروه ومحفل ورشکسته‌ای با اعلام طرفداری خودازسوسیالیسم انقلابی به دنبال کسب اعتبار برود (به یاد داریددهه‌ی ۵۰راکه، چگونه هرگروه ورشکسته‌ای با اعلام‌جانبداری ازمبارزات مسلحانه برای چندصباح دیگری اعتبارکسب می‌کرد؟). دوم این که، گروه‌ها باپافشاری برسراعلام نام خوددرپیوستن به این مبارزه درراه گروه‌بندی جدید، درواقع بخواهندگروه خود را بسازندونه اتحادیه انقلابی جدید.

هنگامی که هدف برش ازدموکراتیزم خرده بورژوائی، بنیادگروه‌بندی نوین سوسیالیست‌های انقلابی ورویکرد به استراتژی وبرنامه‌ی انقلاب پرولتری درمقابل قرار گیرد، به یقین بسیاری ازروشنفکران وانقلابیون کارگری که تاکنون خارج ازکلیه‌ی محافل وفرقه‌های سنتریستی فعالیت می‌کردند، وازمجموعه‌ی افراداین گروه‌ها نیز بیشترند، به مبارزه‌ی متحدعملی ومسلکی براساس نشریه‌ی **سوسیالیسم وانقلاب** جلب خواهندشد.

ش- اما چه تضمینی هست که این نیزبه انحراف کشیده نشود؟

ه- شما نقش خودرا دراین جریان فراموش می‌کنید. فرد انقلابی اجازه نمی‌دهدکسی ازمسیرانقلاب پرولتری منحرفش کند. او نقش خودرا دراین نمی‌یابدکه منتظربنشیندتا برایش عملی تجویزشود. او می‌داندکه عمل خود اوجزئی ازرهبری عملی انقلاب است. بنابراین، شما موظفیدکه اجازه ندهید کسی منحرفتان کند. رهبری دریک جریان انقلابی کارگری دارای حقوق ویژه‌ای نیست. امررهبری فقط معرف نوعی تقسیم طبیعی کار درترویج وسازمان دهی فعالیت انقلابی است. ما همه مسئولیم که به محض آن که خطائی از اصول اعلام شده وپذیرفته‌شده مشاهده‌کردیم، اعلام کنیم وافشاسازیم. به یقین، نشریه‌ی سوسیالیسم وانقلاب خود درانتشاراین گونه افشاگری ها پیشقدم خواهدشد. بهتر این است که به‌جای تسلیم شدن به وراجی های محافل خرده بورژواکل توجه خودرا به وظایف مرحله‌ی کنونی ونوشته ها وعملکردهای سوسیالیست‌های انقلابی معطوف کنیم. هدف محدودنساختن مبارزه‌ی فعلی به چارچوب تنگ محافل و فرقه‌ها واتحاداصولی برای انجام وظایف اساسی در راه ایجادرهبری انقلابی است. همه دراین مبارزه سهیم گردیم وهمواره بررسی کنیم وکنترل کنیم تا درتشخیص وظایف اشتباهی صورت نگیردودرانجام تعهدات انقلابی سستی و کوتاهی بروزنکند. این تنها ضامن پیروزی است.

ش- اما چرا برنامه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی مشخص نشده است تا ما تکلیف خودرا بدانیم وببینیم کی انحراف از اصول توافق شده صورت می‌گیرد؟

ه- مشخص شده است! مگراسناد منتشرشده درشماره‌ی اول نشریه چه بودند؟ خطوط کلی مباحثات مطروحه پایه‌های اصلی توافق های سیاسی لازم درمرحله‌ی کنونی راتشکیل می‌دهند. در این اسنادد‌رباره‌ی مسائل مهم استراتژی وبرنامه‌ی انقلابی (وتاکتیک وروش انقلابی)، تشخیص وتحلیل شرایط مشخص مبارزه‌ی طبقاتی درایران (وترازنامه وچشم انداز این مبارزات)، وتعیین وظایف تاریخی ومرحله‌ئی ما در شرایط کنونی (وتشکیلات متناسب با شرایط ووظایف) نظرات صریح وفرموله‌شده‌ای ارائه‌شده‌اند. قاعدتا، سوسیالیست- های انقلابی توافق برسراین مسائل راشرط آغازمبارزه‌ی جدی درراه ایجادآلترناتیوانقلابی تشخیص داده‌اند. اگر شما تشخیص می‌دهیدکه این کافی نیست، به عهده‌ی خود شماست که دلایل خودرا توضیح دهیدودراختیارهمه قراردهید. این نحوه‌ی برخوردسوسیالیست‌های انقلابی است. بدین ترتیب، همواره درجهت تدقیق هرچه بیشترپایه‌های وحدت پیش خواهیم رفت.

ش- اما اصول کلی ایدئولوژیک مشترک کدام است؟ چرا این اصول بیان نشده است؟

ه- زیرا تئوری به‌طورعام وجودندارد. مبارزه‌ی تئوریک، بیان مبارزه‌ی طبقاتی درعرصه‌ی تئوری است. تئوری، صحت خودرا درآخرین وهله، درمبارزه‌ی مشخص طبقاتی می‌یابد. براساس جمعبندی یک رشته تعاریف مجرد، نمی‌توان دریافت، آیا جریان عقیدتی سازمانی مشخص معرف یک جریان سوسیالیستی انقلابی درمبارزه‌ی طبقاتی هست یا نیست. جمعبندی خلاصه‌تر ازآنچه دراسنادمذکورارائه‌شده کاملا بی‌فایده است؛ زیرا برای تشریح آن مجددا بایدلااقل همان اسنادرانوشت!

ش- اما منظورمن این نبود. منظورمن اعلام پذیرش یا رد مارکسیزم- لنینیزم بود.

ه- شما، اما، منظوررادرست بیان نمی‌کنید! شما، قاعدتا، خوددرک مشخصی ازاین مقوله دارید. پس برعهده‌ی شماست که براساس این درک توضیح دهیدکه آیا هستندیا نیستند.

سوسیالیست‌های انقلابی، اگرشایسته‌ی این نام باشند، قصدپنهان کردن خودپشت نام کسی ندارند- همان طورکه پشت نام سازمان ها نیزپنهان نمی‌شوند. (بیاد بیاوریدکه لنین پلخانف راشاهدمی‌آوردکه درکتاب **اختلافات ما**، درهمان صفحات اول، به نام کلیه‌ی اعضای محفل اظهارکرد: "ما به‌هیچ رونمی‌خواهیم حیثیت واعتبار یک نام بزرگ راپوششی برای برنامه‌ی خودقراردهیم.") مارکسیزم- لنینیزم یک ایدئولوژی متکی بریک نظام "جهان شمول" نیست. این آگاهی کاذب است که طبقات ذینفع درپوشاندن واقعیات مبارزه‌ی طبقاتی ترویج می- کنند. مارکسیزم- لنینیزم علم شرایط رهائی طبقه‌ی کارگراست. این بسیارمشخص است. باوفاداری به یک

www.hks-iran.com

ایدئولوژی "جهان شمول" نمی‌توان این محتوای مشخص را بیان کرد. سوسیالیست‌های انقلابی به‌جای این شیوه‌ی غیرعلمی، مبارزه‌ی واقعی مسلکی را پیش می‌نهند. یعنی، مبارزه‌درراه جلب پیشگام پرولتری به جمهوری شوراها و دیکتاتوری پرولتاریا؛ یعنی، دردورانی که شرایط عینی رهائی پرولتاریا فراهم شده است، غلبه بربحران تاریخی رهبری پرولتاریا را مهم ترین وظیفه‌ی خودتلقی می‌کنند. آیا به‌عقیده‌ی شما مارکسیزم- لنینیزم به روش دیگری متکی است؟

ش- تروتسکیست چطور!؟

ه- شما ازدرک مطلب طفره می روید. باز، منظورشما ازاین پرسش چیست؟

ش- آیا براساس درک خودشان ازمارکسیزم - لنینیزم، از استالین دفاع می‌کنندیا ازترتسکی؟

ه- بدیهی است دربرداشت‌های خودازتاریخ جنبش کارگری ازمواضع کلیه‌ی کسانی که معرف سوسیالیزم انقلابی بوده‌اند، دفاع خواهندکرد! این خودضرورت بررسی تاریخ جنبش کارگری راآشکارمی‌کند.

ش- مسئله‌ی بسیارمشخصی مطرح شده است. گفته می شود این نشریه ترتسکیستی‌است. آیا با انحراف ترتسکیستی مبارزه‌خواهندکردیا خیر؟ چرادراین موردموضع خودرا روشن نکرده‌اند؟

ه- درگفتارودرکردارشان دقیق شویدوحساب کنید، آیا سوسیالیست انقلابی هستندیا خیر. مسئله این است!

لیکن آنچه شما انحراف ترتسکیستی می‌نامید و معتقدید، مسئله‌ی مهمی برای جنبش کارگری درمرحله‌ی کنونی محسوب می‌شود، کوتاهی نکنید، بنویسیدوافشا کنید. سوسیالیست‌های انقلابی بررسی جامع ومشخص تاریخ جنبش کارگری رادرمقابل خودقرارداده‌است. خود آن‌ها نیز قاعدتاهرگاه هرگونه انحرافی ازاصول انقلابی مشاهده‌کنندافشاخواهندکرد. همان گونه که تاکنون کرده‌اند. اما روش صحیح این گونه افشاگری‌ها با روش پیشنهادی‌شما متفاوت است. تئوری انقلابی نه حاصل تراوشات مغز یک فرداست ونه نتیجه‌ی‌خودبه‌خودی مباحثات مابین "تئوریسین"ها؛ بلکه مبین کل تجربه وتفکر انقلابی درهمه‌ی کشورهای دنیادریک دوره‌ی طولانی تاریخی است. بایدنخست این کلیت رابازشناخت وسپس اهمیت سهم افراددرتکامل (یاانحطاط) تئوری انقلابی را درک کرد. تنهابه‌اتکاء چنین شیوه‌ای می‌توان محدودیت‌های تاریخی تجربی مارکسیست‌های مشخص رادرادوارمشخص و نسبت به‌این کلیت سنجید؛ وهمین طورفشارهای مشخص طبقاتی راکه‌باعث انحطاط‌های مشخص‌درزمان‌های مشخص شده‌اند.

سوسیالیست‌های انقلابی ایران نیزبایدبراساس توانائی‌وتجربه‌ی خوددرکاربردوتکامل این روش ودرباز شناسی وتدقیق اصول انقلابی سهم خودرااداکنند. قبل از انجام این وظایف، ودرهمان آغازکار، نمی‌توان بااعلام وفاداری به‌مارکسیزم - لنینیزم ویاچنداظهارنظرکلی برله یابرعلیه ترتسکی یااستالین گریبان خودرا خلاص کرد. مشکلات فعلی تئوریک جنبش انقلابی درایران رابا برچسب زدن یاگزیدن نمی‌توان حل کرد. پیش داوری‌ها وپیش فرض‌های ناروشن وبی‌محتوارابایدبه‌کنارزنیم تا بتوانیم ازعهده‌ی کارجدی برآئیم. **سوسیالیزم وانقلاب** نمی‌تواندهمدم روشنفکران بی‌فرهنگ خرده‌بورژوا شود. آنان هنگامی که‌ازاین انحراف یاآن انحطاط سخن می‌گویند، همواره هدف‌شان فقط پوشاندن کوته بینی خودشان است!

ش- شماآن چنان ازسوسیالیست‌های انقلابی صحبت می‌کنید که‌گوئی هم‌اکنون **جریانی‌منسجم** ویکپارچه‌تحت این عنوان پدیدآمده‌است.

ه- هم‌اکنون گرایش‌های مشخصی ازسازمان‌های متفاوت وافرادومحافلی براساس اهداف این نشریه متحدشده‌اندو مبارزه‌درراه ایجادیک سازمان انقلابی مداخله‌گر را درسطوح تئوریک، عملی وتشکیلاتی آغازکرده‌اند. شاید به‌نظرشماچیزی نیایدوبی شک درمقایسه باوظایفی که در مقابل ماست، هنوز کارابتدائی است ونتایج اندک. این فقط نشان می‌دهدکه‌راه درازودشواری درپیش است. تئوری وبرنامه‌ی ارائه شده نیزهمان است‌که‌براساس تجربه‌وسوابق کنونی سوسیالیست‌های انقلابی به دست آمدنی بوده‌است. این کافی نیست. اما، این تنها دستاورد ماست. هم‌اکنون، این تنها معرف استمرارسنن انقلابی پرولتاریادرایران است. درآینده، بسته‌به‌میزان مبارزه‌وتلاش سوسیالیست‌های انقلابی، یاکیفیت کارفعلی اعتلا می‌یابدویاکیفیت مناسب‌تری جایگزین آن می‌شود. اما، امروزه، سوسیالیست‌های انقلابی درحدتوانائی‌فعلی خودومتناسب باسطح مشخص شکل‌گیری، فعالیت وسازمانیابی خود، چنین نشریه‌ای راباچنین اهدافی ایجادکرده‌اند و انجام وظایف خودرابراساس وحدت برگردآن سازمان می‌دهند. طبعا، نشریه (وهیات تحریریه‌ی آن) تحت مسئولیت این نیروهای مشخص قراردارد.

ش- اماگرایش‌های دیگرچه می‌شود؟ مگرفقط همین‌ها سوسیالیست انقلابی‌اند؟ آیا این نحوه‌ی برخوردسکتاریستی نیست که‌بخشی ازسوسیالیست‌های انقلابی برای گرایش‌های دیگرتعیین تکلیف کنند؟

ه- بدون تردید، سوسیالیست‌های انقلابی بیشترازطرفداران متشکل ومنفرداین نشریه مشخص می‌شوند. بدون تردید، یادیگران به‌تدریج براساس همین اهداف متحد خواهندشدویاراه مناسب‌تری راپیش خواهندکشید. دراین صورت، درضمن کارشایدنیازبه‌چنین نشریه‌ای سپری شود وارگان‌های دیگری جایگزین آن شوند. این فقط نقطه‌ی شروع رانشانه می‌زند. **سوسیالیزم‌وانقلاب**، اما، روشی راپیش نهاده‌است که‌کلیه‌ی انقلابیون بتوانند درانجام وظایف این دوره به‌دورازهرگونه فرقه‌گرائی، متحد شوندودرتبدیل نشریه‌ی فعلی به‌یک ارگان واقعاسراسری وسازمانده‌انقلابی سهم خودرااداکنند.

ش- اماچه‌کسی تعیین خواهدکردکه‌سوسیالیست انقلابی

www.hks-iran.com

کیست ؟ هیئت تحریریه‌ی کنونی این نشریه برچه اساسی برای خودحق ویژه‌ای قائل می‌شود؟

ه ـ سوسیالیست‌های انقلابی تنها بریک حق پافشاری می‌کنندوآن حق سازماندهی خودبرای انقلاب است .این بدان معنی است‌که ماحق انجام وظایف این دوره ، یعنی حق آغازمبارزه‌وحق آغازآن بدون اجازه‌ی قبلی محافل وفرقه‌های سنتریستی رابرای خودقائلیم !این بدان‌معنی است‌که‌حتی اگریک نفربودیم ، به‌انتظار روزفرخنده‌ای که سرانجام سازمان واحدانقلابی همه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی واردمیدان شود ، نمی‌نشستیم ؛ بلکه ،درحد شناخت اصلی وبه‌محض شناخت ، انجام وظایف خودرا آغاز می‌کردیم . تعیین سوسیالیزم‌انقلابی نیز حق ویژه‌ی هیات تحریریه نیست .همه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی، از جمله‌آنان که هنوزجانبدارنشریه‌ی فعلی نیستند ،دراین امرسهیم‌ند . تنها معیارآنان درتشخیص آن ،درتحلیل نهائی،پراتیک اجتماعی است .این معیاردرموردخودهیات تحریریه نیزصدق می‌کند .

ش ـ این طورکه‌نمی‌شود! مثلا ، فرض‌کنیم فردایک گروه جدیدبخواهددراین نشریه همکاری کندودرنتیجه درهیات تحریریه‌ی آن نیز شرکت داشته‌باشد ، بایدچه‌کسی‌رابپینید ؟

ه ـ هیچ کس !نظریات خودرا می‌نویسد .اگرمایل بود در اختیارنشریه قرارمی‌دهد ،وگرنه خودمنتشرمی‌سازد .همه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی ، هرجاکه‌باشند ، ازجمله هیات تحریریه ، نظریات وپیشنهادات ارائه شده راررسی خواهندکرد ، نکات موردتوافق ونقاط اختلاف راروشن خواهندکردوسپس قضاوت خواهندکرد .اگر (پس ازدوره‌ای از بحث)توافق لازم وکافی وجودداشته‌باشد،طبعا هم‌طرفداران این گروه وهم طرفداران نشریه ازآن مطلع خواهندشد و به‌این نتیجه‌خواهندرسیدکه‌باید باهمدیگرفعالیت کنند . بدیهی است‌که هرگونه امکانات جدیدی که‌بدین وسیله فراهم می‌شود ، درخدمت نشریه نیزقرارخواهدگرفت (ازجمله عضویا اعضاء جدیدی برای هیات تحریریه‌ی آن) .

پس چرانمی شود !؟

ش ـ آخربه‌این سادگی که‌نیست !بایدمذاکراتی صورت بگیردوتوافق هائی فرموله شود .این امرمهم‌رانمی‌توان به‌تصادفات واگذارکرد .کدام‌کانال تشکیلاتی مشخص ومعیار های روشن ازجانب هیات تحریریه‌برای انجام این مباحثات پیشنهادشده‌است ؟ آمدیم ،کسی نخواست‌به این بحث‌ها پاسخ بدهد !آیاسوسیالیست‌های انقلابی بایدمنتظر بنشینندتاعاقبت مسیرپیشنهادی شماطی شود ؟

ه ـ تصادفی درکارنیست .به‌یقین،مباحثات ومذاکرات ضروری‌اند ،به‌طورمفصل هم !به‌یقین توافق هاهم بایدبه نحودقیق مشخص‌شوند .اما ،این همه ،بایدبه‌طورعلنی و در سطح کل جنبش انجام‌پذیرد (مثلا ،درصفحات نشریه !) .مذاکرات ومباحثات ،آری !اما ،معاملات ،خیر !قول وقرارها پشت پرده به‌کارسوسیالیست‌های انقلابی نمی‌آید . سوسیالیست‌های انقلابی به‌این خاطرشایسته‌ی این نام‌ند که‌درموقعیت‌های متفاوت خودمشغول انجام وظایف این دوره‌اند .شرکت ودرگیری دراین مباحثات خودبخشی از وظایف این دوره راتشکیل می‌دهد .بنابراین نه‌کسی‌منتظر می‌نشینندتاپس ازمذاکرات رهبران بایکدیگرتکلیفش روشن شود ،بلکه وظایف خودرا انجام می‌دهد ،ونه‌کسی انجام این مباحثات رابه‌تصادفات واگذارمی‌کند .

ش ـ آمدیم وهیات تحریریه ازانتشارنظرخاصی خودداری کرد !آنوقت تکلیف این مذاکرات چه می‌شود ؟

ه ـ مگرهیات تحریریه حق انتشاررااز دیگران گرفته است ؟ آن صاحب نظربه‌طورمستقل اقدام خواهدکردونظر خودرا منتشرخواهدساخت .همه‌خواهندديدوقضاوت خواهند کرد ،ازجمله طرفداران نشریه .

ش ـ چه‌تضمینی است‌که‌قضایا برطبق این پیش بینی ها پیش برود ؟با این روش دلبخواه شما ،ازکجامعلوم که به طرف آنارشیزم‌بی‌دروپیکرپیش نرویم ؟

ه ـ هیچ‌گونه‌تضمینی‌رانپذیرید !ماتأکیدرابراین می‌گذاریم که‌شوروارادەی انقلابی لازم‌است وتصمیم قطعی برای ساختن سازمان انقلابی .قطعی این است‌که‌چنین سازمانی وجودنداردوتازمانی‌که‌ساخته‌نشده‌است ،شکست‌های دردناک تری رادرپیش داریم .این هم‌قطعی‌است‌که‌فرقه‌ها ومحافل موجودکه‌آکنده‌ازروحیات خرده‌بورژوائی‌ندبه‌چنین سازمانی تبدیل نخواهندشد .سوسیالیست‌های انقلابی بایدبه‌این "میراث" پشت‌کنند ، باید ،به‌رغم‌فقدان سازمان انقلابی وبه‌رغم پراکندگی حال ،تحدیدسازمان فعالیت انقلابی‌را اساسی ترین وظیفه‌ی خودتلقی کنند .قطعا این تنها راه مبارزه‌درراه‌ایجادرهبری انقلابی است .دراین راه ، در ضمن راه ، به‌تمام‌مسائل مربوط به‌چگونه‌گی‌ایجادقطعی یک سازمان منسجم‌ازانقلابیان سوسیالیست نیزبایدپاسخ‌داده شود .این‌تنها راه‌بیرون کشیدن پیشگام‌انقلابی ازشرایط فلاکت بارشکست کنونی است .راه‌های پیشنهادی‌روشنفکران خرده‌بورژواهماناسازگاری باوضع مقرراست‌آنچه‌پیشنهاد می‌شودهمان‌است‌که‌بود .یااصولاچیزی پیشنهادنمی‌کنند ! درانتظاررفع خستگی وواخوردگی خودند !مضافابه‌این که ، روش پیشنهادی **سوسیالیزم‌وانقلاب** به‌دلخواه تعیین نشده است .این روش متکی بربنیادی‌است‌که‌هرروزبراساس‌جدیت وتلاش ما استوارترخواهدشد .توافق های اصولی کنونی که پایه‌های وحدت‌سوسیالیست‌های انقلابی راتشکیل‌داده‌اند ، برسرمهم‌ترین مسائل فعالیت انقلابی دراین مرحله‌اند . این برای ماشرط لازم‌وکافی برای امیدواربودن به‌توافق اصولی تربرسرسایرمسائل رافراهم‌می‌سازد .مابقی‌راتلاش ماومبارزه‌ی طبقاتی تعیین خواهدکرد .

ش ـ ولی این هاقانع کننده‌نیست !نه‌تنهامن بلکه‌بسیاری دیگرازمبارزین فعلادرشرایطی هستیم‌که‌نمی‌توانیم ونمی‌بایدبه‌این سادگی قانع شویم وبازبه‌آلت دست تبدیل شویم . راه شمافقط یک پیشنهاداست .بایدبیشترفکرکردو احتمالات دیگررانیزدرنظرگرفت .آیاشما می‌خواهیدبه‌همه‌ی افرادنظیرمن پاسخ دهیدکه‌روشنفکران فردگرای‌خرده‌بورژواخصائل خودرابه‌مثابه‌ایدئولوگ های نظم موجود حفظ می‌کنند !؟

www.hksiran.com